



مبانی فلسفی شهید مطهری متقن و مستحکم است و به سادگی قابل ابطال نیست

شهید مطهری در مقام یک اسلام‌شناس ژرف‌اندیش و متفکری که اندیشه‌اش ناظر به اساسی‌ترین پرسش‌های حوزه‌های مختلف علوم انسانی بوده، اگرچه اثر مستقلی درباره فرهنگ از خود به جا نگذاشته است، اما در متن و حواشی برخی از آثار ایشان، می‌توان به مطالب و مباحثی که از جنس مقوله فرهنگ و یا مرتبط با آن هستند، دست یافت.

شهید مطهری در مقام یک اسلام‌شناس ژرف‌اندیش و متفکری که اندیشه‌اش ناظر به اساسی‌ترین پرسش‌های حوزه‌های مختلف علوم انسانی بوده، اگرچه اثر مستقلی درباره فرهنگ از خود به جا نگذاشته است، اما در متن و حواشی برخی از آثار ایشان، می‌توان به مطالب و مباحثی که از جنس مقوله فرهنگ و یا مرتبط با آن هستند، دست یافت.

مهدی جمشیدی، نویسنده کتاب نظریه فرهنگی استاد مطهری، گزاره‌ها و تأملاتی از این دست را، به طور کلی، نظریه فرهنگی علامه مطهری به شمار آورده است. در این راستا، کتاب نظریه فرهنگی استاد مطهری، معطوف به عرضه روایتی ساختارمند و مبسوط از نظریه فرهنگی علامه مطهری است. عمل ساختاربندی یعنی از جهت صورت و قالب، اجزاء و مقولات مختلف نظریه ایشان که پراکنده و نظام‌نایافته هستند، در درون یک ساختار دقیق و منطقی قرار گیرند و عمل بسط دهی یعنی از جهت محتوا و مضمون، پاره‌هایی از نظریه آیت‌الله شهید که ناقص، موجز یا مبهم بیان شده‌اند، با تکیه بر سایر گفته‌ها و نوشته‌های ایشان، گسترش و تفصیل یابند. باید اضافه نمود که این پژوهش، فراتر و دشوارتر از آن سنت معرفتی‌ای است که در گذشته، حاشیه (تعلیق) نویسی یا شرح‌نویسی خوانده می‌شد؛ چراکه در اینجا، نظریه فرهنگی علامه شهید در یک اثر واحد، موجود و مجتمع نبوده است.

از این رو، تلاش وافر در راستای گردآوری اجزاء و پاره‌های این نظریه و سپس ابداع چارچوب و شیوه بیانی منطقی و قاعده‌مندی برای عرضه این مضمون و محتوا صورت گرفته است. همچنین باید اشاره نمود که این پژوهش در چارچوب رویکرد رجوع به میراث معرفتی سلف صالح، به منظور بازخوانی و بازآرایی آن، معنا و موضوعیت یافته است.

این پژوهش در شش فصل، سامان یافته است که عبارتند از: فصل اول: مبانی نظریه فرهنگی علامه مطهری، فصل دوم: فرهنگ اسلامی؛ ماهیت، پویایی، فضیلت و کارکردها، فصل سوم: حکومت اسلامی و مداخله در عرصه فرهنگ؛ فصل چهارم: تعاملات فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی، فصل پنجم: تحلیل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین و فصل ششم: غرب و فرهنگ غربی. نگارنده در بخش نتیجه‌گیری این اثر، برخی استنتاجات اساسی و استنباطات راهبردی خود را از نظریه فرهنگی علامه مطهری، به صورت مختصر عرضه می‌نماید که در پی می‌آید.

منزلت علمی علامه مطهری؛ جامعه‌شناس یا فیلسوف اجتماعی؟!

علامه مطهری، به صراحت و آشکارا، گفته‌ها و نوشته‌هایی درباره جامعه و جهان اجتماعی و جهان فرهنگی دارد، که اگر چنین نبود، پژوهش حاضر موجودیت نمی‌یافت. حال باید دید چه عنوانی در تناسب با تأملات اجتماعی و فرهنگی ایشان و شخصیت علمی خودش می‌افتد؟ به بیان دیگر، پرسش این است که علامه مطهری، یک جامعه‌شناس بوده یا یک فیلسوف اجتماعی؟!

نخستین امر روشن در این زمینه، وابستگی پاسخ ما به تعریفی است که از دو مفهوم جامعه‌شناس و فیلسوف اجتماعی در ذهن ما نقش بسته است. ما بر اساس، تعریف خود از یک مفهوم است که حکم می‌کنیم فلان شیء، مصداق آن مفهوم است یا خیر. اگر جامعه‌شناس را محقق تعریف کنیم که با تکیه بر قواعد مشخص و مدون، در پی کسب شناخت نظام‌یافته و بیشتر تجربی معطوف به توصیف و تعلیل و مقایسه و پیش‌بینی، نسبت به جهان اجتماعی است، نمی‌توانیم آیت‌الله مطهری را خارج از این دایره بینگاریم. همچنین اگر فیلسوف اجتماعی را محقق تعریف کنیم که با تکیه بر قواعد مشخص و مدون، در پی کسب شناخت نظام‌یافته و بیشتر فلسفی معطوف به تجویز، نسبت به جهان اجتماعی است، علامه مطهری را باید فیلسوف اجتماعی نیز قلمداد نماییم.

روشن است که لازمه منطقی اطلاق عناوینی از این دست به یک شخص محقق، برخورداری او از تحصیلات رسمی دانشگاهی در آن رشته علمی خاص، عدم گرایش به شاخه‌ها و حوزه‌های دیگری از معرفت و علم، پایبندی به تجربه‌گرایی و قرار داشتن در یکی از مکاتب رایج جامعه‌شناختی نیست.

خصوصیت‌های مبتکرانه نظریه فرهنگی علامه مطهری

پس از پشت سر نهادن تأملی نسبتاً مفصل در اجزاء و ابعاد مختلف نظریه فرهنگی علامه مطهری، شایسته است به برخی از خصوصیت‌های مبتکرانه و برجسته این نظریه، اشاره‌ای گذرا کنیم.

یکم. بسیاری از متفکران غربی که در حوزه نظریه فرهنگی، تلاش نظری صورت داده‌اند؛ از آفرینش مبانی فلسفی برای کار خود، غفلت کرده و یا توانایی چنین فعالیتی دشواری را در خود نیافته‌اند. برخورداری از مبانی فلسفی در حوزه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی (فلسفه مضاف معطوف به علم اجتماعی) امتیاز آشکار و پررنگ نظریه فرهنگی علامه است.

دوم. مطالعات اغلب جامعه‌شناسان و فرهنگ‌شناسان وطنی، استقلال از علوم اجتماعی سکولار ندارد، بلکه کاملاً وابسته به آن است و ریشه در یکی از رهیافت‌های آن دارد. اما مطالعه علامه مطهری، واجد استقلال کامل و هویت متمایز است.

سوم. مبانی فلسفی ساخته و پرداخته شده از سوی علامه شهید که برخاسته از انس عمیق ایشان با فلسفه اسلامی است، متقن و مستحکم است و به سادگی قابل ابطال نیست.

چهارم. اجزاء و اضلاع گوناگون نظریه جناب علامه و همچنین مبادی آن، یک نظام معرفتی منسجم و یکپارچه را تشکیل می‌دهد؛ به صورتی که ناهماهنگی و تشتتی در آن مشاهده نمی‌شود.

پنجم. در حوزه مبانی فلسفی هستی‌شناسی، ایشان دچار تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی نشده و به سوی هیچ‌کدام از دو رهیافت عاملیت‌گرایی و ساختارگرایی نگلتیده است. در واقع، موضع هستی‌شناختی ایشان با تازه‌ترین تحولات هستی‌شناسی اجتماعی در جامعه‌شناسی سکولار- یعنی نظریه‌های تلفیقی-، هماهنگ است.

ششم. دخالت دادن سنت‌ها و تدابیر الهی در تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، نشانگر بُعد قدسی جهان اجتماعی است که برخاسته از جهان‌بینی اسلامی و یکی از تفاوت‌های هستی‌شناختی جامعه‌شناسی اسلامی با جامعه‌شناسی سکولار است.

هفتم. از سوی دیگر، جناب علامه، مبتلا به تقلیل‌گرایی معرفت‌شناختی نشده، چنان‌که نه در دام رهیافت پوزیتیویستی افتاده و نه به رهیافت تفسیری بسنده کرده است. معرفت‌شناسی اجتماعی ایشان، رهیافت سومی است که در فصل اول به توضیح آن پرداخته‌ایم.

هشتم. ترکیبی و چندجزء‌انگاری مقومات اسلامی بودن جامعه‌شناسی اسلامی، از دیگر نقاط برجسته نظریه علامه شهید است. از نوشته‌های ایشان چنین برمی‌آید که مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، روش، غایت، مسائل و پاسخ‌ها، ممیزات جامعه‌شناسی اسلامی از جامعه‌شناسی سکولار هستند.

نهم. نظریه فرهنگی ایشان بسیار غنی و پربار است، چنان‌که، مشتمل بر مفهوم‌سازی‌های متعدد و گزاره‌های فرهنگی گوناگون است؛ اگرچه نگارنده به دلیل محدودیت اعمال شده بر حجم کتاب، تنها نیمی از نظریه فرهنگی ایشان را بازگفت.

دهم. دینی‌انگاری نظریه فرهنگی علامه مطهری، از دو سو قابل درنگ است: یکی این‌که ایشان یک عالم دینی و دین‌شناس مسلم و ممتاز است، دیگر این‌که ایشان توانسته به فهم و درک مطلوبی از نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی دست یابد. خصوصیت اول سبب گشته تا ایشان درک بسیار عمیق و دقیقی از فرهنگ و تفکر اسلامی عرضه نماید و خصوصیت دوم، شناخت زبان و ادبیات علوم اجتماعی را به مثابه یک حوزه معرفتی به دنبال داشته است.

یازدهم. در حوزه مواجهه با نظریه‌های غربی، ایشان توانسته بدون آن‌که در دام مبانی فلسفی نهفته در این نظریه‌ها گرفتار شود، از قوت‌های آنها بهره بگیرد و روی شانه متفکران غربی بنشیند و نظریه فرهنگی را چند گام به پیش ببرد. همچنین علامه شهید، شهادت خود را در زمینه رد و ابطال نظریه‌های غربی، آشکارا به نمایش نهاده و در این مسیر، اعتنایی به ذهنیت رعیت‌مآب محافل علمی داخلی در برابر علوم انسانی غربی نکرده است.

دوازدهم. نظریه فرهنگی علامه مطهری، نظریه‌ای دو سطحی است؛ به این معنی که تأملات ایشان هم معطوف به ساحت نظری محض و انتزاعی و بنیادی است و هم معطوف به ساحت عینی و کاربردی. در چارچوب نظریه ایشان، نه از هیچ یک از این دو ساحت غفلت شده و نه هیچ‌کدام از آنها بر دیگری غلبه و ترجیح یافته است.

سیزدهم. مطالعه فرهنگی آیت‌الله شهید، از نظر پرسش و غایت نیز چندبُعدی است. پرسش از ماهیت و مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی، یک پرسش توصیفی است؛ پرسش از علل انحطاط تمدنی مسلمین، یک پرسش تعلیلی است؛ پرسش از اثرات و ثمرات فرهنگ اسلامی، یک پرسش کارکردی است؛ پرسش از حق و حدود مداخله حکومت دینی در حوزه فرهنگی، یک پرسش هنجاری است؛ پرسش از ضعف‌ها و کاستی‌های فرهنگ غربی، یک پرسش انتقادی است؛ پرسش از آینده فرهنگی جهان، یک پرسش آینده‌شناسانه است. نظریه فرهنگی علامه مطهری، مشتمل بر همه این گونه‌ها و انواع مطالعه واقعی اجتماعی است و این نشانگر جامعیت نظریه ایشان است.

مقومات هویت دینی نظریه فرهنگی علامه مطهری

طرح پرسشی کلیدی، به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر نظریه فرهنگی علامه مطهری یاری می‌رساند: مقومات هویت دینی نظریه فرهنگی علامه مطهری چیست؟ به عبارت دیگر، نظریه فرهنگی ایشان، به اعتبار برخورداری از چه اوصاف و خصوصیات، دینی قلمداد می‌شود؟ پاسخ‌دهی با این پرسش، مستلزم تأمل در مباحثی است که در طول این اثر به آنها پرداخته شده، تا به این واسطه، خصایص و عناصر دینی نظریه فرهنگی آیت‌الله شهید، استخراج و اکتشاف شود. به نظر می‌رسد هویت دینی نظریه فرهنگی مطرح شده در این پژوهش، چند خاستگاه اساسی دارد:

یکم. متکی بودن مبادی و مبانی به تفکر اسلامی. نظریه فرهنگی علامه مطهری ریشه در زمینه معرفتی و فلسفی مستقلی دارد که همان تفکر اسلامی است. از این رو، نمی‌توان نظریه فرهنگی ایشان را در ذیل هیچ کدام از انگاره‌ها و مکاتب سکولاریستی موجود در علوم اجتماعی قرار داد. وابستگی مبادی و مبانی این نظریه به تفکر اسلامی، در دو قلمرو تحقق یافته است: هستی‌شناسی فرهنگی و معرفت‌شناسی فرهنگی. یکی از فقرات مهم و تعیین‌کننده‌ای که در قلمرو هستی‌شناسی فرهنگی علامه مطهری باید از آن یاد کرد، به نوع تفسیر ایشان از انسان بازمی‌گردد.

انسان به مثابه یک کنشگر فرهنگی در چارچوب تلقی استاد فرزانه، تنها بر پایه منطق منفعت نمی‌اندیشد و عمل نمی‌کند، بلکه قادر است از سرشت الهی خود الهام گرفته و منطق فطرت را در پیش بگیرد. به عنوان مثالی از رویکرد دینی علامه مطهری در قلمرو معرفت‌شناسی فرهنگی نیز باید گفت ایشان نه تنها پوزیتیویسم را اصل موضوعه نپنداشته، بلکه ادله‌ای را در راستای نفی

و ابطال آن اقامه کرده است. بنابراین، ایشان با قاطعیت از چارچوب و گستره علوم اجتماعی سکولار خارج شده و صنف متفاوتی از علوم اجتماعی را بنا نهاده است، که باید آن را علوم اجتماعی اسلامی خواند.

دوم. پاسخ‌دهی دینی به مسأله‌های فرهنگی. جهت دیگر دینی‌بودگی نظریه فرهنگی علامه شهید، مربوط به پاسخ‌هایی است که ایشان به مسأله‌های فرهنگی داده است؛ به این معنی که ایشان در مقام نظریه‌پردازی دینی برآمده و با تکیه بر تفکر اسلامی، نظریه دینی عرضه کرده است. سرتاسر این اثر، آکنده از نظریه‌های پیدا و پنهانی است که ایشان خلق کرده است.

در واقع، مطالعه نظریه فرهنگی علامه مطهری نشان می‌دهد که تأملات و گفته‌های وی، به سبب این‌که هم به جهان اجتماعی معطوف است و هم قاعده‌مند و روش‌مند است، از سنخ جامعه‌شناسی یا فلسفه اجتماعی است، اما از آن سو، هویت سکولاریستی نیز ندارد. از این واقعیت علمی، می‌توان نتیجه گرفت که سکولاریسم یا الحاد، در ذات و جوهر جامعه‌شناسی یا فلسفه اجتماعی، ریشه ندارد و چنین نیست که این دو از یکدیگر، غیرقابل انفکاک نباشند. می‌توان به گونه‌ای و صنفی از جامعه‌شناسی یا فلسفه اجتماعی باور داشت که در عین حال، به سبب اوصاف و احوال مبانی و ساختار درونی خویش، دینی نیز باشد.

سیر دوسویه میان نظریه و واقعیت در اندیشه‌پردازی علامه مطهری

روند تکون اندیشه علامه مطهری نشان می‌دهد که ایشان از هر دو راهبرد قیاسی و استقرایی به منظور فهم و تحلیل جهان فرهنگی بهره برده است. ایشان گاه بر راهبرد قیاسی تکیه کرده و بر اساس یک نظریه، فرضیه‌ای را در ذهن خویش پرورانده و در چارچوب آن، به جهان فرهنگی به مثابه عالم واقعیت پا نهاده و تحلیل فرهنگی تولید کرده است. به دلیل این‌که ایشان قائل به علوم اجتماعی سکولار نبوده و نسبت به مضامین و درون‌مایه‌های آن انتقاد داشته، از دلالت‌های معنایی برخی آیات قرآن کریم و یا روایات اسلامی، گزاره‌ای را به عنوان چارچوب نظری، ساخته و پرداخته کرده و سپس به دنبال مطالعه جهان فرهنگی رفته است. نظریه این فیلسوف الهی در زمینه فرهنگ اسلامی و دگرگونی‌های عصری، فرهنگ اسلامی و ایده کثرت‌گرایی فرهنگی، نحوه مواجهه جامعه اسلامی با غرب و فرهنگ غربی و موارد دیگری از این قبیل با تکیه بر راهبرد قیاسی تولید شده‌اند.

از سوی دیگر، ایشان از راهبرد استقرایی نیز غفلت نکرده است، چنان‌که در پاره‌ای از موارد، پس از مطالعه یک یا چند واقعیت فرهنگی در جهان فرهنگی، به نظریه فرهنگی دست یافته است. به عنوان مثال، ایشان درباره وقوع انقلاب اسلامی ایران، این نکته را مطرح می‌کند که چرا باید با تکیه بر نظریه‌های سیاسی و اجتماعی موجود، این انقلاب اجتماعی را درک و معنا کنیم؟! آیا بهتر نیست روندی معکوس را طی کنیم و این بار، اعتبار و حجیت علمی این نظریه‌ها را با مبنا و معیار قرار دادن این انقلاب اجتماعی، بیازماییم؟! اگر نظریه‌های موجود از عهده فهم و تفسیر این واقعیت اجتماعی برنمی‌آیند (به این معنی که همه ابعاد آن را پوشش نمی‌دهند یا در برخی سطوح، با آن تعارض دارند)؛ این نظریه‌های یاد شده هستند که باید مورد تجدید نظر و بازاندیشی قرار بگیرند. نظریه ایشان درباره ماهیت فرهنگی جامعه معاصر ایرانی، تعلیل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین، سیطره بحران معنوی بر غرب معاصر، تعاملات فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی، کارکردهای اجتماعی فرهنگ اسلامی و ... از این دست هستند.

مطالعه تطبیقی نظریه علامه مطهری و بنیان‌گذاران علم اجتماعی سکولار

در پایان، شایسته و درخور است نظریه فرهنگی علامه مطهری را در برخی ابعاد و جوانب، با نظریه اجتماعی و فرهنگی پدران علوم اجتماعی سکولار مقایسه کنیم تا تصویری روشن‌تر از نظریه ایشان به دست آید. در جدول زیر، چندین مسأله کلیدی و بنیادی نظریه فرهنگی به منظور انجام مطالعه تطبیقی انتخاب شده‌اند که عبارتند از: منشأ فرهنگ، منزلت فرهنگ، روش مطالعه فرهنگ، دامنه تعمیم معرفت فرهنگی، واحد (سطح) تحلیل فرهنگی، مقوم هویت پیشافرنگی انسان، مقوم هویت اجتماعی انسان، فرهنگ متأخر غرب، مایه همبستگی اجتماعی در جامعه آرمانی، روند تکامل فرهنگی جامعه انسانی و فرجام فرهنگی جامعه انسانی. این مطالعه تطبیقی بسیار اجمالی، تفاوت‌های نظم معرفتی علامه مطهری در حوزه علم اجتماعی و فلسفه اجتماعی را - که برخاسته از بینش دینی و عقلانیت رشدیافته در بستر فلسفه اسلامی است - با نظم معرفتی بنیان‌گذاران علوم اجتماعی به نمایش نهاده است.

این کتاب به قلم مهدی جمشیدی با شمارگان 1000 نسخه در 450 صفحه و بهای 20000 تومان، به تازگی از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (به نشانی تهران، تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک 56 و تلفن 88503341-88505402) منتشر شده است.